موضوع: نقد مسیر پیامبری، نقد و بررسی اشکالات

چگونگی محفوظ ماندن کامل قرآن

در جلسه قبل درباره حدیث شریف ثقلین و استدلال آیت الله خویی مباحثی مطرح شد. ایشان فرمودند این حدیث دلالت دارد که قرآن به صورت مصحف در زمان پیامبر اکرم (ص) بوده است. گفته شد کلمه کتاب تنها به معنای یک متن مکتوب در مصحف نیست، بلکه شامل چیزهای دیگری هم می شود.

کلام علامه طباطبایی درباره کاربرهای کتاب در قرآن

علامه طباطبایی در این باره می فرماید:

« الكتاب بحسب ما يتبادر منه اليوم إلى أذهاننا هو الصحيفة أو الصحائف التي تضبط فيها طائفة من المعاني على طريق التخطيط بقلم أو طابع أو غيرهما لكن لما كان الاعتبار في استعمال الأسماء إنما هو بالأغراض التي وقعت التسمية لأجلها أباح ذلك التوسع في إطلاق الأسماء على غير مسمياتها المعهودة في أوان الوضع، و الغرض من الكتاب هو ضبط طائفة من المعاني بحيث يستحضرها الإنسان كلما راجعه، و هذا المعنى لا يلازم ما خطته اليد بالقلم على القرطاس كما أن الكتاب في ذكر الإنسان إذا حفظه كتاب و إذا أملاه عن حفظه كتاب و إن لم يكن هناك صحائف أو ألواح مخطوطة بالقلم المعهود.

و على هذا التوسع جرى كلامه تعالى في إطلاق الكتاب على طائفة من الوحي الملقى إلى النبي و خاصة إذا كان مشتملا على عزيمة و شريعة و كذا إطلاقه على ما يضبط الحوادث و الوقائع نوعا من الضبط عند الله سبحانه، قال تعالى: «كِتابٌ أَنْزَلْناهُ إِلَيْكَ مُبارَكٌ» (- ص: 29) و قال تعالى: «ما أَصابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَ لا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَها»: (الحديد: 22) و قال تعالى: «وَ كُلَّ إِنسانٍ أَلْزَمْناهُ طائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَ نُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ كِتاباً يَلْقاهُ مَنْشُوراً، اقْرَأْ كِتابَكَ»: (الإسراء: 14).

و في هذه الأقسام الثلاثة ينحصر ما ذكره الله سبحانه في كلامه من كتاب منسوب إلى نفسه غير ما في ظاهر قوله في أمر التوراة: «وَ كَتَبْنا لَهُ فِي الْأَلْواحِ مِنْ كُلِّ شَيْ‏ءٍ مَوْعِظَةً وَ تَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْ‏ءٍ»: (الأعراف: 145)...

القسم الأول: الكتب المنزلة على الأنبياء (ع) و هي المشتملة على شرائع الدين- كما تقدم آنفا- و قد ذكر الله سبحانه منها كتاب نوح (ع) في قوله: «وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتابَ بِالْحَقِّ»: (البقرة: 213).

القسم الثاني: الكتب التي تضبط أعمال العباد من حسنات أو سيئات فمنها: ما يختص بكل نفس إنسانية كالذي يشير إليه قوله تعالى: «وَ كُلَّ إِنسانٍ أَلْزَمْناهُ طائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَ نُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ كِتاباً»: (الإسراء: 13)

القسم الثالث: الكتب التي تضبط تفاصيل نظام الوجود و الحوادث الكائنة فيه فمنها الكتاب المصون عن التغير المكتوب فيه كل شي‏ء كالذي يشير إليه قوله تعالى:

«وَ ما يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَ لا فِي السَّماءِ وَ لا أَصْغَرَ مِنْ ذلِكَ وَ لا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتابٍ مُبِينٍ»: (يونس: 61) و قوله: «وَ كُلَّ شَيْ‏ءٍ أَحْصَيْناهُ فِي إِمامٍ مُبِينٍ» (يس: 12)».[[1]](#footnote-1)

مرحوم علامه می فرماید: مفهومی که از کلمه کتاب امروزه به ذهن ما می آید صحیفه ای است که مطالبی در آن نوشته شده است. قاعده این است که در الفاظ، باید غرض از وضع در نظر گرفته شود و مصداقی که ابتدا لفظ برای آن وضع شده است موضوعیت ندارد، مثلا لفظ چراغ در گذشته بر چراغ های نفتی اطلاق می شده است، اما امروزه بر چراغ های جدید برقی نیز اطلاق می شود. در اینجا مصداق های قدیمی چراغ موضوعیتی ندارد. لفظ ترازو و میزان هم همین گونه است که بر ترازوهای دو کفه ای قدیمی و ترازوهای جدید و نیز معیار قرار گرفتن یک فرد برای تشخص اطلاق می شود.

چون غرض در لفظ، ملاک و مهم است، مجاز هستیم که اسماء را در غیر مصداقشان اطلاق کنیم. در الفاظ، وضع برای موضوع خاص موضوعیت ندارد، بلکه باید غرض را مورد نظر گرفت. غرض از کلمه کتاب نیز مجموعه ای از معانی به جهت ضبط آنها است که هر وقت نیاز باشد به آن رجوع شود. روشن است که این غرض ملازمه ای با نوشته شدن با دست ندارد، لذا وقتی معانی در ذهن فرد هم باشد می گوید: کتاب در ذهن من است، هر چند صفحاتی هنوز برای آن در کار نیست. کاربرد کتاب در قرآن نیز همان معنای وسیع را دارد یعنی به معنای جمعی از معانی است که محفوظ است، خصوصا اگر آنچه وحی شده مشتمل بر دستورات دینی باشد.

برای کتاب در قرآن کاربردهای مختلفی آمده است، یکی از آنها به معنای مجموعه ای از قوانین و برنامه های وحی شده است. کاربرد دوم محفوظ ماندن وحی است که از طرف خدای متعال رسیده است: «کتاب انزلناه». روشن است که آنچه نازل می شود مکتوب نیست: « إِلَّا فِي كِتابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَها» یعنی مضبوط و محفوظ است. کاربرد سوم اعمال روز قیامت است می فرماید: «کتابا یلقاه منشورا». علامه می فرماید: همه کاربردهای کتاب در قرآن به این سه کاربرد بر می گردد غیر از کتاب تورات که فرق کرده و مکتوب بوده است.

مرحوم علامه می فرماید: قسم اول از معنای کتاب شامل 5 کتاب آسمانی است. قسم دوم کتاب تکوینیات را شامل است و قسم سوم کتاب اعمال است.

بنابراین این گونه که آیت الله خویی گفته اند که از لفظ کتاب استفاده می شود که قرآن در مصحف واحدی نوشته شده، صحیح نیست، بلکه دلالت حدیث ثقلین بر حفاظت کتاب از نقصان و زیادی است. مراد این است که معارف قرآن در میان مسلمانان بوده و محفوظ مانده است .

نکته: اینگونه نبوده که همه کارهای خلفا خطا بوده باشد بلکه مواردی از کارهای مثبت هم در آنها دیده می شود، مثلا جمع و متحد ساختن یک نسخه واحد از قرآن کریم در زمان عثمان امر درستی بوده است کما اینکه از امیرالمومنین (ع) نقل شده است که فرمود: اگر من هم بودم این کار را می کردم، البته ایشان سوزاندن سایر نسخه های قرآن را اشتباه می دانند.

حاصل کلام آیت الله خوئی

آیت الله خویی در انتهای سخن خود می فرماید: « وخلاصة ما تقدم ، أن إسناد جمع القرآن إلى الخلفاء أمر موهوم ، مخالف للكتاب ، والسنة ، والاجماع ، والعقل ، فلا يمكن القائل بالتحريف أن يستدل به على دعواه ، ولو سلمنا أن جامع القرآن هو أبو بكر في أيام خلافته ، فلا ينبغي الشك في أن كيفية الجمع المذكورة في الروايات المتقدمة مكذوبة ، وأن جمع القرآن كان مستندا إلى التواتر بين المسلمين ، غاية الامر أن الجامع قد دون في المصحف ما كان محفوظا في الصدور على نحو التواتر.

نعم لا شك أن عثمان قد جمع القرآن في زمانه ، لا بمعنى أنه جمع الآيات والسور في مصحف ، بل بمعنى أنه جمع المسلمين على قراءة إمام واحد ، وأحرق».[[2]](#footnote-2) استناد جمع کردن قرآن به خلفا صحیح نیست، زیرا روایات جمع القرآن به جهت اشکالاتی که بیان شد فاقد اعتبار است. اما اگر قبول کنیم که قرآن توسط خلفا جمع شده است باز جای شکی نیست که کیفیتی که در این باره در روایات بیان شده مورد قبول نیست. جمع قرآن مستند به تواتر بین المسلمین است. اجماع مسلمین بر این است که آیات قرآن به تواتر به ما رسیده است اما اینها می گویند با شهادت دو شاهد به رسیده که صحیح نیست. غایت الامر اینکه کسی که اینها را جمع کرده است آنها را کامل نوشته است. بله شکی نیست که عثمان در زمان خود قرآن را جمع و نسخه واحدی را به عنوان نسخه رسمی معرفی کرد و بقیه نسخه ها را سوزاند. عثمان آن قرائتی که در میان مسلمانان مشهور بود را برگزید، همان قرائتی که به تواتر از پیامبر (ص) رسیده بود. این عمل عثمان را هیچ کسی نقد نکرده است، زیرا اختلاف در قرائت ها، منجر به اختلاف در میان مسلمین می شود. اشکال کار عثمان این بود که نسخه های دیگر را سوزاند.

ادامه بحث انشاءالله در جلسه آینده بیان می شود.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. المیزان، علامه طباطبایی، ج7، ص 252- 253 [↑](#footnote-ref-1)
2. البیان فی تفسیر القرآن، آیت الله خوئی، ص 257 [↑](#footnote-ref-2)